

نامه فتح‌علیشاه به ناپلئون ۱

نخستین ذکری که ما یکدلان را سزاوار است سپاس خداوندیست
یگانه جل و تعالی شأنه که ما را توفیق یکجہتی از دیوان قدرت اوست و
شخص یگانگی در ظل وحدت او همه را کفیل است و هونعم الوکیل و از آن
پس درود بر پیام‌آوران و راهبران که از کثرت خویش بر وحدت حضرت او
دلیلند و با اختلاف شرایع و کتب راهنمای یک‌سبیل و بعد سلامی که مخزن
دوستی را رخشان گوهر است و سپهر یکجہتی را تابان اختر و دعائی که
کلفونہ چہرہ خلوتیان تمناست و غازہ گونه پردگیان مدعا نثار انجمن خلد
اثر شہریار مہر نظر سپہر منظر گردون مکین زمین تمکین مایہ عقل و پیرایہ
تاج و تخت موج بحر اجلال، اوج چرخ اقبال، خدیوا کرم افخم ایمپراطور اعظم
پادشاہ ممالک فرانسه و ملک ایتالیا کہ تا فلك را مدار است و زمین را قرار
تختش پایندہ و بختش فزاینده باد ساخته مکشوب رأی مہر ضیاء مشہود ضمیر
موالفت پیشہ، می‌دارد کہ چون نضارت اشجار دوستی از اوراق نامہ و کتاب
است و در گلزار یکجہتی خامہ را منزلت سحاب، تشدید رسولان در محفل
دوستان تغرید بلبلان و ساحت بوستان است و سزاوار ما یکدلان چنان کہ
گاہ و بیگاہ از مجاری احوال خود یکدیگر را آگاہ سازیم و بتحریر مکنونات
ضمیر و ارسال سفیری خبیر پردازیم تا کارها بر کار گاہ حصول بانقش یگانگی
صورت بندد و آرزوها از ہر دو جانب بسلك یکجہتی پیوندد و از این راہ بعد
از فرستادن عالیجہاد عمدة الخوانین الکبار **عسکر خان افشار** و عالیشان

میرزا علی بیگ را بهمراهی زبده‌الاکابر **موسی دوغاردان** روانه صوب حضور آن خسرویگانه [داشتیم] و اکنون که عالیشان زبده‌الاعیان **موسی بواسان** عازم ادراک سعادت حضور بوده از تحریر این یکجہتی نامه مطلب نگار گزارش امور میگردیم. بعون‌الله تعالی سبحانہ مجاری مهمات این حدود بر وفق مرام خاطر مہرانگیز و ساغر تمنای دوستان از بادۂ حصول لبریز است عالیجہ مفخرالاشبہ جنرال غاردان خان در حضرت یکجہتی دولتین قاہرہ تقدیم مہام را با قدمی ثابت و عزمی استوار است و دیگر افیچالہا^۱ ہریک در رکاب یگانگی شوکتین باہرہ بانجام کاری سزاوار، پی سپار. در اینوقت یک نفر ایلچی از جانب **ینارال محمد اویج** سپہ سالار روس باذن و اطلاع پادشاہ روسیہ وارد این حدود و کار گزاران ما را باستحضار و صوابدید جنرال غاردان خان با او مقالات و مکالمات اتفاق افتادہ جوابی کہ بدو دادیم ہمین بودہ کہ کفیل ہریک از امور ما آن برادر جلیل است بہرچہ نشان قبول نہد ما را رضایت و بہرچہ رضا دہد از جانب ما ممضی، بہر کہ صلح آرد جنگ نجوئیم و ہر کجا شتاب آرد درنگ. ما را دل برہوای اوست و مراد ما رضای او. تفصیل مقالات و جملہ مهمات را جنرال مشارالیہ علی ماجری لدیہ باولیای آن دولت عالیہ اعلام و اعلان داشتہ گزارش خطاب و جواب را کماکان نگاشتہ است. مجملًا با دوست و دشمن قول و پیشہ ما ہمین است و ہمیشہ اندیشہ ماچنین. در نیک و بد ہر کار آن برادر نیکوسیرمختار است و ما را در مطاوی این مہم چشم برراہ اعلام و اشعار و اینمعنی محتاج بتذکار و تکرار نیست پیوند عہد و شرط همان است کہ بدست یکجہتی و اتحاد بستہ ایم و درانتظار نتایج و آثار آن نشستہ، ہرچہ پسند رأی صواب آرای آن پادشاہ آگاہ است مراد و دلخواہ ماست. شایستہ رسم محبت و دوستی آنست کہ اغلب اوقات از ارسال مراسلات یگانگی آیات و ارجاع و انواع مهمات خاطر دوستان را قرین بہجت و شادمانی سازند. باقی ایام سلطنت و فرمانروائی مستدام باد.